

## «ازدواج در اسلام»

حضرت محمد(ص) فرمود: هیچ کانونی در اسلام بر پا نشده است که نزد خداوند از کانون ازدواج محبوب تر و عزیزتر باشد. در بینش اسلامی، مقصود از «ازدواج»، پیوند زناشویی رسمی میان دو جنس مخالف است که معمولاً بالغ بوده و طبق شرایط شرعی و قانونی لازم انجام گرفته است.

### ● مقدمه

بشر از نخستین روزهای حضور خود بر عرصه خاک و شکوفایی جوانه های تأمل و تدبیر بر شاخسار حیات، به خوبی دریافته است که خانواده بهترین مأمن انسان و شایسته ترین کانون برای تبلور سکون و اطمینان است. این امر نشان می دهد که خانواده یکی از اساسی ترین و طبیعی ترین نیازهای انسان به شمار می آید. بسیاری از مشکلات روانی حاصل از تنش های زندگی روزمره توسط یک خانواده سالم و بهنجار التیام یافته، جبران می شود. به همین دلیل است که تحقیقات انجام شده در زمینه مسائل خانواده، در مجموع نشان می دهد که افراد ازدواج کرده به طور متوسط، سالم تر و خوشحال تر از آنهایی هستند که ازدواج نکرده اند. البته خانواده می تواند به شکلی کاملاً معکوس، به عنوان منبع مهم ایجاد تنش در زندگی فرد باشد، ولی اگر معیارهای زندگی سالم در خانواده رعایت گردد، می توان جلوی تنش ها را سد کرد و خانواده را به تعادل و سلامتی رساند. ازدواج و موفقیت در آن به عنوان یک واقعه اجتماعی، زیستی و فرهنگی، به دلیل

نقش بنیادین آن در تشکیل خانواده از اهمیتی بسیار برخوردار است، به گونه ای که می توان گفت: بدون ازدواج، خانواده مفهوم چندان روشن و واضحی ندارد.<sup>۲</sup>

ازدواج به عنوان سنگ بنای اولیه خانواده و به عنوان عاملی اساسی برای زوجیت و همدلی دو جوان و زمینه بالندگی و پیشرفت همسران به شمار می آید و انسان ها می توانند در سایه اندیشه و ایمان واقعی و در پناه زوجیتی شایسته، با اطمینان و صلابت، بر ناکامی ها و فراز و نشیب های زندگی چیره شوند و از وادی های شکست، مصمّم و استوار عبور نمایند و بتوانند از گذرگاه اسفل السافلین به سوی اعلا علّین، که همان مقصود خلقت است، راهی بگشایند. به همین دلیل، متفکران اخلاقی و حقوقی جوامع بشری در صدد برآمده اند تا بر استحکام این کانون بیفزایند و ازدواج، این سنّت تغییرناپذیر الهی را در جامعه، هر چه بیشتر تقویت کنند تا انسان ها ازدواج را، که یک نیاز فطری و طبیعی نه تنها برای انسان ها، بلکه حتی در میان دیگر موجودات نیز به شکل های گوناگون وجود دارد، زمینه کسب کمال خویشتن بیابند، و به قول جلال الدین رومی:

بهر آن میل است از ماده ز نر \*\*\* تا بود تکمیل کار همدگر

میل اندر مرد و زن حق زان نهاد \*\*\* تا بقا یابد جهان زین اتحاد

ساختار ازدواج و سن آن در جوامع با همدیگر متفاوت است و در واقع، هر جامعه ای با توجه به سبک زندگی و نظام فرهنگی خود، شیوه ها و روش های خاصی در زوجیت به وجود آورده است. این امر در فرهنگ اسلامی نیز مورد توجه ویژه بوده است، بخصوص توصیه گردیده است

ازدواج در زمان مناسب آن انجام گیرد تا برکات معنوی، روانی، تربیتی و اجتماعی بیشتری نصیب همسران جوان گردد.

### • تعریف «ازدواج»

تعریف های متعددی برای واژه «ازدواج» ارائه شده است که به یکی از آنها اشاره می شود: «ازدواج فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن، که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته اند و به طور کلی، عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است.»<sup>۳</sup>

در بینش اسلامی، مقصود از «ازدواج»، پیوند زناشویی رسمی میان دو جنس مخالف است که معمولاً بالغ بوده و طبق شرایط شرعی و قانونی لازم انجام گرفته است.

### • اهمیت ازدواج

ازدواج هسته اول ایجاد خانواده و به نوبه خود، واحدی در سنگ بنای جامعه انسانی است. ازدواج زمینه ساز مطلوب ترین فرصت برای زیباترین تلاقی چشم ها، گیراترین تبادل کلام ها، استوارترین گام ها، تجلی متعالی ترین ارزش ها و محبوب ترین کانون نزد خالق متعال است.<sup>۴</sup> حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: هیچ کانونی در اسلام بر پا نشده است که نزد خداوند از کانون ازدواج محبوب تر و عزیزتر باشد.<sup>۵</sup>

ازدواج و گزینش همسر، انتخاب مطلوب ترین همراه و ترسیم روشن ترین طریق سعادت و پاسخی مناسب به عالی ترین نیاز فطری انسان یعنی وصول به کمال و سعادت است، و به این معنا حضرت علی (علیه السلام) اشاره فرمود: هیچ یک از یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ازدواج نکرد، مگر

اینکه ایشان پس از ازدواج آنان فرمود: ایمانش کامل شد. ۶

ازدواج در منطق قرآن کریم، به وجود آورنده مطمئن ترین و آرام بخش ترین رابطه ها و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. از آیات و نشانه های قدرت خداوند این است که برای انسان از نوع خود، همسرانی آفرید تا در کنار آنان، به آرامش و سکون نایل آیند و بین آنان دوستی و رحمت قرار داد. ۷ در تفسیر این آیه، گفته شده است: منشأ گرایش مرد به زن و آرمیدن

مرد در سایه انس به زن مودت و رحمتی است که خداوند بین آنها برقرار کرده و این مودت الهی و رحمت خدایی غیر از گرایش غریزی نر به ماده است که در حیوانات هم وجود دارد؛ و از این رهگذر است که زن محبوب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) واقع شده است؛ فرمود: من از دنیای شما، سه چیز را دوست دارم: زن، بوی خوش و نور چشم من در نماز است. ۸ چیزی که مایه سکون است همان مودت و رحمت الهی است که جاذبه ای معنوی بین زن و مرد ایجاد می کند، و گرنه

شهوات نمی تواند نشانه ای از نشانه های خدا باشد و موجب آرامش گردد. ۹ این پیوند مقدس، روان پراوتهاب و مضطرب جوان را به ساحل آرامش نزدیک می کند و او را در دریایی از صفا و مودت غوطهور می سازد و موجب می شود تا این دو همسر جوان در کنار همدیگر، با نشاط زندگی مشترک را آغاز کنند. البته این نتیجه وقتی حاصل می گردد که در انتخاب همسر و

تشکیل خانواده، معیارهای شرعی و اخلاقی رعایت شود.

ازدواج علاوه بر آرامش روانی و ارضای غریزه جنسی، تعهد و تکامل اجتماعی را در پی داشته و زمینه ساز بروز استعدادها و توانمندی های نهفته درونی می گردد. شهید مطهری درباره نقش ارزنده ازدواج می گوید: «... یک پختگی و پویایی وجود دارد که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی شود، در مدرسه پیدا نمی شود، در جهاد با نفس پیدا نمی شود، در نماز شب پیدا نمی شود؛ این کمالات را فقط باید در ازدواج و تشکیل خانواده به دست آورد. و لذا، هیچ وقت نمی شود که یک کشیش، یک کاردینال به صورت یک انسان کامل در بیاید، اگر واقعاً در کاردینالی خودش صادق باشد.»<sup>۱۰</sup>

آیه ۱۰ الله مکارم شیرازی در این زمینه می نویسد: «بعد از ازدواج، شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می شود و خود را مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی فرزندان آینده می بیند. به همین دلیل، تمام ابتکار و استعداد خود را به کار می گیرد و از ظرفیت های وجودی خود کمال استفاده را می برد و به بالندگی بیشتری نایل می شود.»<sup>۱۱</sup>

## • آثار تربیتی ازدواج

ازدواج اولین گام یک فرد، برای ایجاد و تکوین زندگی مشترک با فردی از جنس مخالف است. چنانچه این گام در زمان مناسب و به شکل صحیح و سنجیده برداشته شود، کارکردهای مناسب و پیامدهای سازنده آن در طول زندگی مشترک ملموس خواهد بود. در این مقام، به برخی از آثار تربیتی ازدواج به طور گذرا اشاره می شود:

### ۱. کمالات معنوی

علامه محمدتقی جعفری در پاسخ این سؤال راسل که چرا اسلام این قدر به ازدواج بها داده و آن را قانون قرار داده، گفته است: «اسلام با ازدواج می خواهد انسان واقعی به وجود آورد، و مسئله انسان و انسانیت مطرح است.» ۱۲

ازدواج در فرهنگ اسلامی، پیوندی مقدس است که موجب حفظ دین، ۱۳ افزایش ثواب عبادات، ۱۴ و به وجود آورنده مودت و رحمت است. ازدواج همچنین عاملی مؤثر در حفظ پاک دامنی و طهارت دل هاست. رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) می فرماید: ۱۵ هر کس می خواهد خدا را در حال پاکیزگی و طهارت ملاقات کند به وسیله ازدواج عفت پیشه سازد. ۱۶ به وسیله ازدواج، یکی از سرکش ترین نیروها یعنی غریزه جنسی، ارضا شده، میل به انحراف در انسان کاهش می یابد و در واقع، هوای نفس، که منشأ بسیاری از ناهنجاری هاست، تا حد زیادی مهار می گردد و مهار هوای نفس از یک سو، و رحمت و مودت الهی که در ازدواج حاصل می شود از سوی دیگر، موجب کمال نفس و نورانیت دل می گردد؛ زیرا کسی که به طرف گناه و ناهنجاری نرود و مشمول عنایات الهی باشد، به نورانیت درون و قلب نایل می گردد.

## ۲. عفت و دوری از گناه

در اثر ازدواج غریزه جنسی، که یکی از قوی ترین غرایز انسانی است، در مسیر طبیعی خود قرار می گیرد و این پدیده به نوبه خود، موجب می گردد تا انسان از گناهایی که به خاطر میل جنسی انجام می دهد تا حد زیادی مصون بماند و هیچ گاه دامن خود را به روابط جنسی نامشروع، که از نظر دین جزو گناهان کبیره است، آلوده نسازد. همچنین ازدواج موجب می گردد تا انسان در مسیر

کمال و خودسازی معنوی بیشتر قدم بگذارد و خود را از گناه دور سازد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: هر کس در آغاز جوانی ازدواج کند شیطانی که مأمور اوست فریاد می زند: ای وای! او دو ثلث دینش را از دسترس من حفظ کرد، و ثلث دیگر را هم می تواند با تقوا حفظ

کند. ۱۷

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) همچنین درباره حفظ عفت به واسطه ازدواج می فرماید: ای گروه جوانان! هر یک از شما که می تواند ازدواج کند، اقدام نماید؛ زیرا ازدواج موجب می گردد تا چشم و دامن انسان از گناه باز داشته شود و عفت انسان حفظ گردد. ۱۸

به گفته دانشمندان اخلاق، انگیزه اصلی گناهان و انحرافات اخلاقی و تربیتی، سه قوه است: ۱. قوه شهویه؛ ۲. قوه غضبیه؛ ۳. قوه وهمیه. این سه قوه در مرز تعدیل خود، در وجود انسان برای دفع مفاسد و جلب ارزش ها لازمند. نیروی غضب برای دفاع و مبارزه با تجاوزات بیگانه، نیروی شهوات در مسیر طبیعی برای بقای نسل و لذت ها و تفریحات سالم، و نیروی وهمیه برای کسب امور عادی در حد طبیعی لازم است. ولی طغیان و یا تعطیل آنها موجب افراط و تفریط شده، انگیزه انحراف و فساد خواهد گردید.

در قوه شهویه، مهم ترین عامل تعدیل صحیح آن در شهوت جنسی، «ازدواج» است. ازدواج موجب کنترل این قوه شده، آن را از تجاوز و طغیان باز می دارد. وقتی جلوی طغیان شهوات گرفته شود، زمینه برای کسب عفت و دوری از گناه مهیا می گردد و انگیزه گناه از بین خواهد رفت.

غریزه جنسی مانند آب رودخانه، مایه حیات است. اگر در جلوی آن سدّی بسته شود و دریچه ای پشت سر آن قرار گیرد، آب های رودخانه، مایه حیات دام ها و گیاهان خواهد بود و جمع شدن آب نه تنها موجب ضرر و سیلاب نمی گردد، بلکه با باز کردن سد در هنگام نیاز به آب، می توان از آن استفاده بهینه و منطقی نمود. کنترل شهوات و ارضای آن از طریق ازدواج، مانند آب رودخانه و پشت سد، مایه حیات و به ارمغان آورنده عفت و پاک دامنی در جامعه است. ۱۹.

### ۳. احساس مسئولیت

انسان تا وقتی تنهاست، بیشتر به فکر خود است و حرکت او به سوی بی بندوباری و هرزگی، چندان دور از انتظار نیست، بخصوص اگر دین نداشته باشد، احساس مسئولیت هم نمی کند؛ ولی اگر ازدواج کرد، فکر می کند که تنها نیست، بلکه پیش وجدان خود، مسئولیت زن و فرزند نیز را بر عهده دارد. از این رو، حرکت او به سوی بی بند و باری دشوار می نماید و ازدواج مانند سدّی در سر راهش، او را کنترل می کند.

شواهد بسیاری وجود دارد که جوانان بسیاری پس از ازدواج، سر به راه شده اند و سبک سری و بیراهه رفتن های گذشته را ترک نموده اند. این سخن نقل مجالس شده است که جوانان ازدواج کرده در گفتار خود می گویند: «ما دیگر ازدواج کرده ایم و مثل سابق نمی توانیم به هر جا برویم. برای ما که زن و بچه داریم، عیب است به هر راهی پا بگذاریم.»

این همان «احساس مسئولیت» است که به این صورت جلوه می کند. احساس مسئولیت پایه مراقبت و کنترل و دوری از هرزگی و اعتیاد و سایر انحرافات خواهد شد. احساس مسئولیت همان وجدان اخلاقی و «نفس لوّامه» است که نقش بسیاری در پاک زیستی و انضباط رفتاری دارد.

وجدان اخلاقی و احساس مسئولیت در حقیقت، دادگاه کوچکی در درون جان انسان است. هنگام کار نیک، احساس آرامش درونی به وجود می آورد و روح انسان را لبریز از شادی و نشاط می کند، و هنگام خطا و جنایت، طوفانی از غم و اندوه در درون جان پدید می آورد. چنین احساسی قطعاً نیروی مهمی برای جلب سعادت و دوری از هرگونه انحراف است. آری، ازدواج صحیح، نقش سازنده ای در ایجاد چنین احساسی در انسان دارد.

## • آثار اجتماعی و روان شناختی ازدواج

### ۱. آرامش و امنیت خاطر

مهم ترین نیازی که در پرتو ازدواج، برآورده و تأمین می گردد، نیاز به آرامش و امنیت خاطر است. این نیاز، که در سرشت انسان ریشه دارد، چنان قابل توجه است که خداوند مَنان در قرآن کریم، ایجاد آرامش خاطر از طریق ازدواج را یکی از آیات خود معرفی کرده است.

بنابراین، همسر موجب آرامش خاطر و امنیت دل است، و جوان را که در اوایل جوانی با احساس تنهایی، بیهودگی و نداشتن پناهگاه عاطفی، دست به گریبان است، به جایگاه امن رهنمون می شود

و موجب می گردد تا همسران با اتکا به همدیگر در مقابل امواج و گرفتاری های زندگی مقاومت کنند و با امیدبخشیدن به همدیگر، به زندگی محبت آمیز خود ادامه دهند.

امام رضا(علیه السلام) درباره فواید همسر شایسته می فرماید: «هیچ منفعتی بهتر از همسر شایسته نیست؛ همسری که وقتی انسان او را می بیند شادمانش گرداند و در موقع نبودن او، نگهدار ناموس و مالش باشد.» ۲۰ یعنی در حضور او، به نوعی او را شادمان می کند و در غیبت او هم کاری می کند که اگر شوهر متوجه عمل او گردد شادمان شود.

## ۲. تولید نسل

یکی از ثمرات بزرگ ازدواج، بقای نسل بشریت است که مطابق هدف آفرینش است. همسران جوان از طریق فرزندان شدن موجب پیوند بین نسل ها می گردند و با پرورش فرزندان صالح و مؤمن، در اصلاح جامعه انسانی شریک می شوند و روح بندگی خالق متعال را، که هدف اساسی خلقت انسان است، در عرصه گیتی گسترش می دهند. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) می فرماید: «ازدواج کنید تا صاحب فرزند شوید. قطعاً من به زیادی شما در روز قیامت بر امت های دیگر مباحث می کنم.» ۲۱ این نکته بسی واضح و روشن است که پیامبر گرامی(صلی الله علیه و آله) به صرف زیادی جمعیت مباحث نمی کند، بلکه مباحث پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) به خاطر جمعیتی است که بندگی خدا کرده باشند و از طریق انجام وظایف دینی و انسانی، موجب آبادانی مادی و معنوی جهان گردند.

## ۳. سلامت و امنیت اجتماعی

ازدواج و تأسیس کانون خانواده، برای سلامت و امنیت جامعه مفید است و زمینه ارتکاب جرم و بزه کاری را کم می کند. آماری که توسط محققان علوم اجتماعی ارائه می گردد مؤید این مطلب است. در یک تحقیق میدانی که بر ۵۰۰ تن از جوانان انگلستان انجام گرفت، این نتیجه به دست آمد که جوانان پس از ازدواج و تشکیل خانواده، کمتر به انجام اعمال مجرمانه روی می آورند و خلاف کاری و جرم در آنان کاهش می یابد، و در مقابل، افرادی که مجردند به اعمال خلاف و بزه کاری اجتماعی بیشتری روی می آورند و زمینه کارهای ناهنجار در آنان بیشتر است. ۲۲

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «بیشتر اهل جهنم مجردها هستند.» ۲۳ این حدیث شریف به روشنی دلالت می کند بر اینکه گناه و ناهنجاری در میان مجردها بیشتر است و به همین دلیل، گرفتار آتش شده اند و وقتی گناه و ناهنجاری از طریق مجردها بیشتر شود، امنیت اجتماعی و سلامت روانی اجتماع به مخاطره می افتد.

ویل دورانت، دانشمند معروف، درباره ترغیب به ازدواج و فواید آن می گوید: «اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سال های طبیعی انجام گیرد، فحشا، امراض روانی، تنهایی بی ثمر، عزلت ناپسند و انحرافات جنسی، که زندگی را لگه دار کرده است، تا نصف تقلیل خواهد یافت... عشق جنسی جوانان، زودتر از توانایی اقتصادی شان فرامی رسد. ما نباید از این پیشامد رم کنیم و بگذاریم آن عشق افسرده شود و بمیرد. ازدواجی که بر پایه عشق تازه و نمرده دختر و پسر انجام می شود، در طی سال های درازی، زندگی آنها را معطر و خوش بو می کند، و گرنه عمیق و طبیعی و آرمانی نخواهد بود.» ۲۴

#### ۴. تقویت و تثبیت صفات جنسی

عبور از مرحله کودکی و نایل شدن به بزرگ سالی، نیازمند دست یابی به هویت جنسی و نقش جنسیتی است که این دو بر اثر ازدواج و انتخاب همسر تثبیت می شود؛ زیرا وقتی در جامعه به فردی، «همسر» یا «شوهر» خطاب شود، در او این حس را به وجود می آورد که به مرحله بزرگ سالی رسیده است و از او انتظار می رود تا مثل یک بزرگ سال رفتار کند و از این رو، احساس مسئولیت بیشتری نموده، سعی می کند نقش جنسی خود را بهتر انجام دهد. در واقع، دختر و پسر به واسطه ازدواج، به شناخت خود، عمق می دهند و زنانگی ۲۵ و مردانگی ۲۶ خویش را ابراز می کنند و به بسیاری از دل مشغولی های خود پایان می دهند و باورها و ارزش های محوری جامعه را در درون خود تثبیت کرده، نسبت به آن متعهد می شوند، و در نتیجه، خود را از پراکندگی نقش ها رها نموده، به انسجام در هویت جنسی روی می آورند. به بیان دیگر، ازدواج به ساختاری می ماند که پیوسته زنان و مردان را تحت تأثیر قرار می دهد تا به رفتار خود شکل منطقی دهند و از همه مهم تر، موجب می شود تا احساس زن و مرد بودن در آنان تقویت گردد. ۲۷

#### ۵. رشد و شکوفایی استعدادها

ازدواج زمینه بروز خلاقیت ها و موفقیت ها را در همسران افزایش داده، همچنین موجب می شود تا فضایل اخلاقی و انسانی در آنان به فعلیت برسد. وقتی از مرد خانواده انتظار می رود تا هنگام ضرورت برای حمایت از خانواده خویش، ایستادگی کند. این انتظار روحیه دفاع و جوان مردی را در او تقویت خواهد کرد. همچنین به وجود آمدن شرایط مادری برای زنان، موجب می شود تا با

تحمل مشکلات فرزندپروری و شوهرداری، به کمال روحی بیشتری برسند و روح خود را در اثر شکیبایی و ایثار بالنده کنند و از طریق مسئولیتی که در خانه و خانواده دارند، به تلاش بیشتر روی آورند و استعدادهای خود را برای اداره مناسب خانواده به کار گیرند و در نتیجه، به موفقیت بیشتری نایل آیند. دکتر افروز در این باره می نویسد: «ازدواج، آغار لطیف ترین و گرمابخش ترین رابطه ها و به فعالیت رساندن همه استعدادها و قابلیت ها و بهره مندی از عالی ترین تکریم

هاست.» ۲۸

## • سن مناسب ازدواج

یکی از مسائل اساسی در ازدواج، که درباره آن نظریات متفاوتی در میان اندیشمندان مطرح شده، بحث سن مناسب ازدواج و همسرگزینی است. در این باره، افراد تحت تأثیر فرهنگ اجتماعی که در آن زیست می کنند، معیارهایی بیان نموده اند. اما اگر بخواهیم بدون تأثیرپذیری از آداب و رسوم اجتماعی و بدون توجه به نظریات متناقض در این زمینه، به بررسی موضوع به طور واقع بینانه بپردازیم، باید چند مطلب را مورد توجه قرار دهیم:

الف. وقتی انسان به درون خود توجه می کند و خواسته های غریزی را بدون لحاظ آداب و رسوم و قراردادهای اجتماعی، در نظر می گیرد، متوجه این نکته می شود که بعضی از نیازهای انسان به قرارداد اجتماعی و آداب و رسوم بستگی ندارد و هر زمانی که احساس نیاز شود باید برآورده گردد. درست همان گونه که در وجود انسان نیاز به غذا و آب وجود دارد و در موقع تشنگی باید آب بیاشامد و در موقع گرسنگی غذا بخورد، نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده، یک نیاز فطری و درونی است که خداوند متعال از روی حکمت و مصلحت، این نیاز مقدس و اساسی را در وجود انسان قرار داده است و این نیاز هم در زمان مناسب سر برآورده، طلب ارضا می کند. اگر این نیاز به تأخیر انداخته شود و یا به طور ناصحیح و غیرطبیعی ارضا گردد، موجب انحراف و فساد انسان و جامعه می گردد و اخلاقیات را در جامعه تهدید کرده، ارزش های انسانی را تضعیف می کند. حضرت علی (علیه السلام) درباره اطاعت از شهوات می فرماید: «هر کس از شهوات و خواسته های جنسی خود اطاعت کند، گم راه می گردد.»<sup>۲۹</sup> یعنی اگر نتواند از قوای جنسی در مسیر

درست و راهی که خداوند برای آن لحاظ کرده است استفاده کند، در هلاکت و گم راهی وارد شده است.

الف. وقتی انسان به درون خود توجه می کند و خواسته های غریزی را بدون لحاظ آداب و رسوم و قراردادهای اجتماعی، در نظر می گیرد، متوجه این نکته می شود که بعضی از نیازهای انسان به قرارداد اجتماعی و آداب و رسوم بستگی ندارد و هر زمانی که احساس نیاز شود باید برآورده گردد. درست همان گونه که در وجود انسان نیاز به غذا و آب وجود دارد و در موقع تشنگی باید آب بیاشامد و در موقع گرسنگی غذا بخورد، نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده، یک نیاز فطری و درونی است که خداوند متعال از روی حکمت و مصلحت، این نیاز مقدس و اساسی را در وجود

انسان قرار داده است و این نیاز هم در زمان مناسب سر برآورده، طلب ارضا می کند. اگر این نیاز به تأخیر انداخته شود و یا به طور ناصحیح و غیرطبیعی ارضا گردد، موجب انحراف و فساد انسان و جامعه می گردد و اخلاقیات را در جامعه تهدید کرده، ارزش های انسانی را تضعیف می کند. حضرت علی (علیه السلام) درباره اطاعت از شهوات می فرماید: «هر کس از شهوات و خواسته های جنسی خود اطاعت کند، گم راه می گردد.»<sup>۲۹</sup> یعنی اگر نتواند از قوای جنسی در مسیر

درست و راهی که خداوند برای آن لحاظ کرده است استفاده کند، در هلاکت و گم راهی وارد شده است.

غریزه جنسی دارای نیرویی فوق العاده است و مهار آن بسیار سخت، بخصوص در ابتدای جوانی که این نیرو در اوج خود قرار دارد و اگر دختر و پسر جوان به ازدواج اقدام نکنند ممکن است به

انحرافات جنسی روی آورند و این انحرافات موجب می گردد تا بنیان های خانواده متزلزل شود و گناه و ناهنجاری در جامعه توسعه یابد و البته ایمان و تقوای می تواند فرد را از گناه حفظ کند و موجب کنترل افراد گردد، ولی جوانان در سطوح ایمانی متفاوتی هستند و همه آنها از تقوای لازم برخوردار نیستند.

ب. از این نکته نباید غافل بود که خانواده علاوه بر مسائل زناشویی و همسری، محل تربیت و پرورش فرزندان مؤمن، متعهد، سالم، توانمند و با کفایت است و نقش والدین در این عرصه بسیار قابل توجه، و تا خود والدین به کمالات عقلی و اعتقادی و دینی قابل قبولی نرسیده باشند، نمی توانند فرزندان برومند و رشید و صاحب کمال تربیت کنند. از این رو، علاوه بر بلوغ جنسی، لازم است نوجوان و جوان به حد قابل قبولی از کمال عقلی و تربیتی هم رسیده باشند.

ج. خانواده کانون محبت و ایجاد آرامش برای همسران و فرزندان است و یکی از اهداف بلند ازدواج همین که همسران در زندگی مشترکی که تشکیل داده اند، به آرامش روحی نایل شوند و با ارتباط عاطفی که بین آنان برقرار می گردد به کمال و بالندگی دست یابند و از طریق ابراز علاقه به همدیگر، نیاز روحی خود را تأمین کنند. این غرض حاصل نمی گردد، مگر وقتی دختر و پسر علاوه بر بلوغ جنسی، به بلوغ عاطفی هم رسیده باشند، و گرنه آن خانواده بنیانی متزلزل خواهد داشت و نمی تواند خانواده موفق و بهنجاری باشد.

با توجه به نکات مزبور و با توجه به آموزه های دینی در این زمینه و بادر نظر گرفتن تحقیقات روان شناختی، معیارهای اساسی و بنیادی که در ازدواج و سن مناسب آن باید ملاحظه شود، بیان می

گردد تا هر فردی شرایط خود را با این معیارها محک بزند و در صورت مساعد بودن شرایط، به امر ازدواج اقدام نماید:

## ۱. بلوغ جنسی

مرحله «بلوغ» به عنوان آغاز دوره نوجوانی با بروز فعل و انفعالات و ترشحات هورمونی در غدد درون ریز، با تغییرات سریع و محسوس در ویژگی های ظاهری بدن و حتی ویژگی های روانی همراه است و این تغییرات نوجوان را آماده وارد شدن به عرصه بزرگ سالان می کند و در او از لحاظ زیستی و روانی این آمادگی را ایجاد می نماید تا در دنیای بزرگ سالی وارد شود. کسی که می خواهد به ازدواج اقدام کند لازم است تا به بلوغ جنسی رسیده باشد؛ یعنی در درون خود، علاقه و نیاز به جنس مخالف را احساس کند و از نظر جنسی، به مرحله ای رسیده باشد که بتواند همسر خود را ارضا کند و خودش هم نیازمند ارضا باشد؛ زیرا کسی که به بلوغ جنسی نرسیده است قادر نخواهد بود با همسر خود انس و الفت ایجاد کند و نیازهای روحی او را برآورده سازد و کانون زناشویی، که در آن انس و الفت نباشد، دوام نخواهد آورد و متلاشی می شود. تحقیقات اجتماعی که در این زمینه انجام شده، بیانگر این نکته است که درصد طلاق در همسرانی که در سنین پایین ازدواج کرده اند بیشتر است. ۳۰

بر اساس روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل گردیده است، شخصی به امام (علیه السلام) عرض کرد: ما فرزندان خود را در کودکی به ازدواج در می آوریم. امام صادق (علیه السلام) در جواب فرمودند: «اگر آنان را در خردسالی و سنین پایین به ازدواج در آورید، بسیار بعید

است که با هم انس و اُلفت بگیرند.»<sup>۳۱</sup> این روایت با عنایت به «دشواری انس»، ازدواج در سنین پایین را مناسب نمی داند.

## ۲. بلوغ عقلی

خانواده به عنوان گروه کوچک (زن، شوهر و فرزندان) نیازمند مدیریت و رهبری است و همسران، بخصوص پدر، باید بتواند این مجموعه را در حدّ قابل قبولی اداره کند و این امر در عصر حاضر، که معمولاً خانواده ها به صورت خانواده هسته ای یعنی متشکل از زن و مرد و فرزندان هستند، اهمیتی مضاعف پیدا می کند و سرپرست خانه باید به مرتبه ای از بلوغ عقلی رسیده باشد که بتواند توانایی اداره این مجموعه را داشته باشد، و گرنه این خانواده دچار هرج و مرج و بحران مدیریتی خواهد شد. حضرت علی (علیه السلام) در روایتی می فرماید: «از ازدواج با افراد احمق و نادان پرهیز کنید»<sup>۳۲</sup>؛ زیرا افراد نادان و احمق نمی توانند کشتی زندگی را سلامت به سر منزل مقصود برسانند و در تربیت فرزند و همسرداری دچار مشکل می شوند. البته باید توجه داشت که بلوغ عقلی از مفاهیمی است که دارای مراتب متعدد بوده و بسیاری از انسان ها به مراتب عالی آن نایل نمی شوند. معیار بلوغ عقلی در ازدواج، مرتبه ای است که انسان بتواند خانواده را در حدّ متعارف و قابل قبولی اداره کند.

## ۳. رشد عاطفی

رشد عاطفی شخص مستلزم بروز و ظهور رفتارهای آشکاری همچون قدرت برقراری و حفظ روابط شخصی با دیگران، درگیر شدن در تعاملات عاطفی، توان درک احساسات متقابل و توسعه

حسّ همدلی و قدرت ابراز علاقه و محبت به همسر است. ازدواج، که یک پیوند تعهد آور و مسئولیت آفرین است و فرد را در نوع جدیدی از روابط شخصی و نزدیک در گیر می سازد، به رشد عاطفی فرد بستگی دارد. این امر، به ویژه در خانواده های امروزی، که در مقایسه با خانواده های دوره های پیشین، در بسیاری از زمینه ها تفاوت اساسی دارند، ضرورت بیشتری پیدا کرده است. تردیدی نیست که موفقیت ازدواج به برخورداری همسران از استعدادها و ظرفیت های عاطفی بالا برای تبادل احساسات مثبت در تعاملات مشترک خانوادگی وابسته است ۳۳ و هر قدر تبادل عواطف بین دو عنصر اصلی خانواده یعنی زن و شوهر بیشتر باشد، خانواده از استحکام بیشتر و بالندگی بهتر برخوردار خواهد بود. در منابع اسلامی، روایات زیادی بر اهمیت نقش و ویژگی های شخصیتی مثبت مانند روحیه سازگاری، همدلی، عذوفت و مهربانی، و اظهار علاقه به همدیگر وارد شده است که ثمره این توصیه ها در استحکام و پویایی خانواده و روابط عاطفی همسران تجلی می کند.

در این باره، به دو روایت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اشاره می شود: یکی درباره اظهار محبت از سوی مرد و دیگری درباره اظهار محبت از سوی زن می باشد:

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «اگر مردی به همسر خود بگوید: من تو را دوست دارم، این سخن هرگز از قلب زن بیرون نمی رود.» ۳۴ پُر واضح است که وقتی محبت مرد با این یک کلمه در قلب زن جای می گیرد، اگر هزاران بار اظهار محبت شود و مرد به مرحله بلوغ عاطفی

رسیده باشد و بتواند این کار را انجام دهد، آن خانواده کانون صفا و مهر خواهد بود و هرگز متزلزل نخواهد شد.

ایشان در حدیثی دیگر چنین می فرماید: «حق مرد بر زن این است که زن ملازم خانه باشد و به شوهرش دوستی و محبت و مهربانی کند و از به خشم آوردن او اجتناب کند و آنچه مورد رضایت اوست انجام دهد.» ۳۵ در این روایت شریف، اظهار محبت و مهربانی به شوهر از وظایف زن دانسته شده است و اگر کسی به رشد عاطفی نرسیده باشد، نمی تواند این وظایف را برآورده کند و زندگی مشترکی که در آن محبت و عواطف نباشد، نمی تواند سکون و آرامش برای اعضای خانواده به ارمغان بیاورد.

#### ۴. رشد اجتماعی

رشد اجتماعی فرد، که طی فرایند جامعه پذیری شکل می گیرد، در قالب ویژگی هایی همچون قدرت تشخیص وظایف و مسئولیت ها، قدرت انتخابگری، اعتماد به نفس، انجام کنش های متعارف، استقلال نسبی در انجام وظایف، مسئولیت پذیری، التزام به رعایت هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و توان درگیر شدن در روابط پیچیده اجتماعی ظهور می یابد. این مرحله از رشد در همه عرصه های روابط اجتماعی و به ویژه روابط زناشویی اهمیت خاصی دارد، و اگر همسران به این مرحله از رشد - اگرچه طور نسبی - نرسیده باشند، با مشکلات عدیده ای رو به رو خواهند بود.

بر اساس مطالعات انجام گرفته بر روی ازدواج های سنین پایین، بسیاری از آسیب ها و مشکلات خانوادگی در این قبیل ازدواج ها، از ضعف رشد اجتماعی زوجین یا یکی از آن دو و عدم آمادگی لازم برای ایفای وظایف خانوادگی و همسری در آنها نشأت می گیرد. ۳۶

در احادیث اسلامی نیز به اشاره هایی در باب اهمیت رشد اجتماعی زوجین برمی خوریم. برای نمونه، ویژگی هایی مانند گرامی بودن همسر در بین بستگان خویش ۳۷ که نشانه تربیت صحیح و شکوفا شدن شخصیت اجتماعی اوست، آداب دانی همسر به گونه ای که وظایفش را بدون نیاز به امر و نهی دیگران انجام دهد، ۳۸ نهی از ازدواج با افرادی که وظایف همسری را نمی دانند یا نهی از ازدواج با افراد لجوج و بی منطق، ۳۹ و سفارش به ازدواج با مردی که مسئولیت پذیر باشد و همسر و فرزندان خود را به دیگری وانگذارد. ۴۰

از مجموع این روایات شریف، استفاده می شود که رشد اجتماعی و توانایی ایجاد ارتباط با افراد خانواده و فهم وظایف اجتماعی و خانوادگی، از مسائلی است که در انتخاب همسر، باید مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به معیارها و اصولی که گذشت و با توجه به آموزه های دینی، به این نتایج دست می یابیم:

اول. اگرچه در اسلام، ازدواج در هر مرحله از زندگی امری مجاز است، ۴۱ به گونه ای که حتی ازدواج در کودکی با شرایط خاص و رعایت مصالح فرد بر اساس قوانین اسلام می تواند صحیح باشد، ولی با قطع نظر از شرایط خاص و استثنایی، می توان گفت: با بررسی اهداف و کارکردهای ازدواج از نظر اسلام، زمان مناسب برای ازدواج، اوایل جوانی است؛ چنان که ائمه اطهار (علیهم

السلام) با صراحت به جوانان توصیه می کردند که در صورت توان، اقدام به ازدواج کنند. ۴۲ در مقابل افرادی را هم که از ازدواج خودداری می کردند، مورد خطاب های ملامت آمیز قرار می دادند. ۴۳ علاوه بر این، روابط عاطفی زن و شوهر در جوانی همراه با تفریحات و سرگرمی هایی در بیرون خانه و در درون آن است و در متون دینی از آن با کلمه «ملاعبه» تعبیر شده است. بدین روی، در مواردی به افراد توصیه شده است همسری جوان اختیار کنند تا روابط آنها به مقتضای سنّی هر دو، با روابط کلامی و غیر کلامی محبت انگیز و خوشایند نیز همراه باشد. ۴۴ روشن است که برقراری این گونه روابط، امری متقابل است و فقط در صورت آمادگی روانی زن و مرد تحقق می یابد. علاوه بر این، ملاعبه با شور و نشاط جوانی متناسب است و اگر فرد وارد میان سالی شود یا به انتهای دوره جوانی برسد، آمادگی روانی برای تعامل نشاط بخش با همسر را نخواهد داشت. دوم. تأثیرات روانی و جسمانی روابط جنسی نوعی تعادل روانی به دنبال دارد ۴۵ و حصول آن در جوانی اهمیت بیشتری می یابد. بنابراین، با توجه به اهتمام دین اسلام به همه نیازهای طبیعی، از جمله نیازهای جنسی، بجا نیست ازدواج از اوایل جوانی، که اوج نیازهای جنسی است، به تأخیر انداخته شود.

سوم. از جمله اهداف قابل توجه در ازدواج، رسیدن به سکون و آرامش و دوستی متقابل است ۴۶ که این فقط در پرتو ازدواج حاصل می گردد و اوایل جوانی اوج دوستی ها و روابط عاطفی شدید است. ۴۷ علاوه بر این، دوره مزبور دوره پیدایش بحران ها و مشکلات روانی و اجتماعی متعددی

است. ۴۸ بدون ازدواج، فرد از روابط عاطفی مطلوب در این دوره بحرانی، محروم خواهد شد و در مشکلات جوانی، از حمایت فردی مناسب و نزدیک مانند همسر بی بهره خواهد ماند.

در کلمات بزرگان دین، به برخی پیامدهای نامطلوب در تأخیر ازدواج اشاره شده است. برای نمونه

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «دختران جوان مانند میوه های درختان هستند، وقتی

زمان رسیدن آنان فرارسید باید آنان را چید، و گرنه حرارت خورشید و وزش باد آنها را فاسد می

کند. دختران هم وقتی به سن ازدواج رسیدند و نیاز به شوهر داشتند، اگر ازدواج نکنند، احتمال

فساد و تباهی آنان وجود دارد.» ۴۹ از این حدیث شریف، به خوبی استفاده می شود که تأخیر در

ازدواج از سنین جوانی، که سن نیاز به همسر است، موجب مشکلات روانی و عاطفی در فرد می

گردد زیرا در این مقطع زندگی که نیازهای عاطفی و جنسی در هر کس فعال است و توان کافی

در او وجود دارد، اگر این نیاز به طور صحیح ارضا نشود، یا باید سرکوب گردد و یا به شیوه های

نامناسب و ناهنجار تأمین شود که در هر دو صورت، موجب احساس گناه شده، به عزت نفس فرد

آسیب می رساند.

چهارم. نکته دیگری که به عنوان یکی از اهداف ازدواج در اسلام مورد تأکید قرار گرفته، حفظ

عفت، تقوا و اخلاق فردی و اجتماعی است. معمولاً جوانان در مهارت نیازهای جنسی با مشکلات

جدی مواجهند و زمینه بروز رفتارهای ضد اخلاقی و خارج از محدوده شرع در آنها بیشتر است.

ازدواج در این مقطع، مناسب ترین راه برای جلوگیری از این رفتارها و حفظ تقوا و اخلاق فردی و

اجتماعی است. ۵۰ بر اساس تعالیم اسلام، ازدواج می تواند جلوی بسیاری از مفاسد را سد کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «هر جوانی که در اوایل جوانی ازدواج کند، شیطان شیون می کند: ای وای! او دو ثلث دینش را از دستبرد من حفظ کرد، و در ثلث دیگر هم تقوا پیشه می کند.» ۵۱ در جای دیگر، حضرت می فرماید: «ازدواج کن، و گرنه به گناه می افتی.» ۵۲ همچنین حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) درباره کسی که شرایط ازدواج دارد و همسر مناسبی برایش فراهم است، می فرماید: «هر گاه شخصی مناسب از لحاظ اخلاق و دین داری به خواستگاری شما آمد، با او ازدواج کنید، و گرنه فتنه و فساد در زمین اتفاق می افتد.» ۵۳

با توجه به آنچه گذشت، ازدواج در اوایل جوانی، از جنبه سلامت روانی و تکامل معنوی و دینی برای افراد مناسب تر است. اگرچه نمی توان سن دقیقی به صورت کلی و عام به عنوان زمان مناسب ازدواج اعلام نمود، ولی با توجه به شرایط اجتماعی، آموزه های دینی، تحقیقات انجام شده در این زمینه ها، نظر متخصصان در این زمینه، و تحولات به وجود آمده در نسل جوان، می توان مقطع سنی ۱۵ سال به بعد را برای دختران و ۱۸ سال به بعد را برای پسران مناسب دانست و البته باید دو سال خدمت سربازی هم برای پسران در نظر گرفت. این مقطع سنی برای اکثریت جوانان مناسب است و باید توجه داشت که عده کمی از افراد، شرایط ویژه ای دارند و نمی توانند ازدواج به موقع بکنند، ولی غالب جوانان می توانند در اوایل جوانی به این امر اقدام کنند. معمولاً آنان در این سنین، به بلوغ جنسی، عقلی، اجتماعی و عاطفی رسیده اند.

آیه ۱۰۱ اللّٰه امینی می گوید: طبیعت و آفرینش ویژه انسان، سن ازدواج را تعیین کرده و آن سن بلوغ است و چون پسرها در ۱۶ سالگی و دخترها معمولاً در ۱۰ سالگی به سن بلوغ می رسند، شرعاً می

توانند ازدواج کنند. ولی بهتر است ازدواج را تا سن ۱۸ در پسران و ۱۵ سالگی در دختران به تأخیر انداخت، تا دختر و پسر آمادگی انجام مسئولیت های خانوادگی را پیدا کنند و از این رو، می توان گفت: مناسب ترین سن برای ازدواج در پسران ۱۸ سالگی به بعد و در دختران ۱۵ سالگی به بعد است.

## پی نوشت ها

۱. ( ۱۹۹۶ Coninger, s.c. ). Personality: Description, dynamics, and (development, (Newyork: W.H. Freeman & copany
- ۲- محمدصادق مهدوی، بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران، شهید بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۳۱.
- ۳- باقر ساروخانی، دائره المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰، ص ۲۳.
- ۴- غلامعلی افروز، مبانی روان شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش های اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۵.
- ۵- «ما بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲، باب ۱، ح ۴۰).
- ۶- لم يكن أحد من اصحاب رسول الله (صلى الله عليه وآله) يتزوج الا قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «كمل دينه»؛ (حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۱۵۰، باب ۱، ح ۸).
- ۷- (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً. (روم: ۲۱)
- ۸- «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثُ: النِّسَاءُ، وَ الطَّيِّبُ، وَ قَرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ.» (محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۷۳، ص ۱۴۱، باب ۱۹، ح ۸).
- ۹- عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۱، ص ۳۹-۴۰.
- ۱۰- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۱، ص ۳۹۸.
- ۱۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، قم، چاپخانه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۶۲، ج ۱۴، ص ۴۶۵.
- ۱۲- سعید آرمی سه سارمی، میثاق مقدس، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۷۹، ص ۷.
- ۱۳- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «مَنْ تَزَوَّجَ احْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ» (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۰، ص ۱۷، ح ۱۱).

- ۱۴- قال الصادق (عليه السلام): «رَكَعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيَهَا أُعْزُّ»؛ دو رکعت نماز که انسان متأهل می خواند، از هفتاد رکعت نماز که انسان مجرد می گزارد برتر است. (همان، ص ۱۸، باب ۲، ح ۱)
- ۱۵- «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَتَعَقَّفْ بِزَوْجِهِ» (حسین نوری طبرسی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۰، باب ۱، ح ۵)
- ۱۶- روم: ۲۱.
- ۱۷- «مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثِهِ سَنَّهُ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ وَ يَقُولُ: يَا وَيْلَاهُ! عَصِمَ هَذَا مَنِّي ثَلَاثِي دِينَهُ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي الثَّلَاثِ الْبَاقِي.» (حسین نوری طبرسی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۰، باب ۱، ح ۷)
- ۱۸- «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاهُ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغْضَى لِلْبَصْرِ وَ أَحْصَنَ لِلْفَرْجِ.» (همان، ص ۱۵۳، باب ۱، ح ۲۱)
- ۱۹- محمدمهدی اشتهاردی، ازدواج و شیوه همسررداری از دیدگاه اسلام، تهران، یوسف، ۱۳۷۷، ص ۱۹.
- ۲۰- «مَا أَفَادَ عَبْدٌ فَائِدَةً خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتَهُ وَ إِذَا غَابَ عَنْهَا حَفَظْتَهُ فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ.» (شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۹، باب ۹، ح ۶)
- ۲۱- «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا، أَنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمُ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (حسین نوری طبرسی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۳، باب ۱، ح ۱۷)
- ۲۲- حسین محبوبی منش، «تغییرات اجتماعی ازدواج»، کتاب زنان، ش ۲۶ (۱۳۸۳)، ص ۱۸۳.
- ۲۳- «أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعَزَابِ» (شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۰، باب ۲، ح ۷)
- ۲۴- ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۱۷۴.
- ۲۵- Feminity.
- ۲۶- Mesculinity.
- ۲۷- ناک استیون، ازدواج در زندگی مردان، ص ۷۸.
- ۲۸- غلامعلی افروز، پیشین، ص ۶.
- ۲۹- «مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ ضَلَّ.» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، منشورات آیه الله العظمی مرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰، ص ۲۶۳، باب ۷۳)

۳۰. Age at marriage and marital instability. Jour of marriage and the family. Both, A., & Edwards, J.N. (۱۹۸۰). ص ۶۷-۷۵.

۳۱- قيل لصادق (عليه السلام): «أنا نزوج صبياننا و هم صغار، فقال (عليه السلام): إذا زوجوا و هم صغار لم يكادوا أن يأتلفوا.» (شيخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۰۴، باب ۴۶، ح ۱)

۳۲- «إياكم و تزويج الحمقاء.» (همان، ص ۸۴، باب ۳۲، ح ۱)

۳۳- حسین بستان، اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶.

۳۴- «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.» (شيخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۳، ح ۹)

۳۵- «لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزِمُ بَيْتَهُ وَ تَوُدِّدَهُ وَ تُحِبَّهُ وَ تُشْفِقَهُ وَ تَجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَ تَتَّبِعَ مَرْضَاتِهِ.» (حسین نوری طبرسی، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۴۴، باب ۶)

۳۶- حسین بستان، پیشین، ص ۱۸۷.

۳۷- شيخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۸، باب ۶، ح ۲.

۳۸- همان، ص ۲۷، باب ۵، ح ۱.

۳۹- همان، ص ۳۴، باب ۷، ح ۳.

۴۰- همان، ص ۳۴، باب ۷، ح ۲.

۴۱- محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۲۹، ص ۱۴۶.

۴۲- «یا معشر الشباب علیکم بالباه.» (شيخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۴۴، باب ۱۲، ح ۳)

۴۳- «شرار أمتی عزّابها و تزوّج و الآفأنت من إخوان الشیاطین.» (حسین نوری طبرسی، پیشین، ج ۴، ص ۱۵۵، باب ۲، ح ۱ و ۴)

۴۴- «فهلأ فتاهُ تلاعبها و تلاعبک.» (همان، ص ۱۷۹، باب ۱۶، ح ۳)

۴۵- «المرأهُ الجميلهُ تقطعُ البلغم.» (شيخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۵۹، باب ۲۱، ح ۱)

۴۶- روم: ۲۱.

۴۷- احمد احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، نشر ترمه / مشعل، ۱۳۷۳، ص ۴۵.

۴۸- ابوالقاسم اکبری، مشکلات نوجوانی و جوانی، نشر ساوالان، ۱۳۸۱، ص ۸۵.

۴۹- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۶۱، باب ۲۳، ح ۲.

۵۰- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ

بِزَوْجِهِ» هر که می خواهد خدا را در حال پاکی و عفت ملاقات کند، ازدواج نماید.

(حسین نوری طبرسی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۰، باب ۱، ح ۳)

۵۱- همان، ح ۲.

۵۲- «تَزْوِجٌ وَ الْآفَانْتُ مِنَ الْمَذْنِبِينَ» (همان، ص ۱۵۴، باب آ، ح ۴)

۵۳- «إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ وَ إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ

وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ.» (شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۷۸، باب ۲۸، ح ۶)